

# تبیین عوامل تروریستی مؤثر بر ناامنی مرزهای جنوب شرق کشور

(سراوان ۱۳۹۳-۱۳۹۰)

محمد رضوی<sup>۱</sup>، سیدمهدی حسینی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۰۹

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۱/۲۰

## چکیده

مناطق بی ثبات همجوار جمهوری اسلامی ایران به ویژه در جنوب شرق باعث دغدغه‌ها و نگرانی‌های راهبردی شده‌اند. به طوری که در صورت غفلت حکومت مرکزی، می‌توانند تهدیدی علیه امنیت ملی ایران باشند. در این ارتباط بر بنیاد پژوهشی خاص، متغیرهای عوامل تروریستی در منطقه، کاوش شده است. هدف این پژوهش، مطالعه حادثه تروریستی در ابعاد داخلی و خارجی و امنیت در جنوب شرق کشور است. همچنین سعی شده تأثیر این عوامل در حادثه تروریستی جنوب شرق ایران (سیستان و بلوچستان) مطالعه و تحلیل شود و به این پرسش که هر کدام از عوامل داخلی و خارجی به چه میزان در ایجاد حادثه تروریستی جنوب شرق ایران (سراوان) تأثیر دارد پاسخ داده شود. این عوامل در بُعد داخلی و خارجی مورد بررسی قرار گرفته است. تحقیق حاضر از نظر روش، پیمایشی و میدانی و از نظر هدف، کاربردی می‌باشد. به طوری که داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه باز و بسته ۵ گزینه‌ای لیکرت گردآوری شده و در طراحی آن، پرسش‌های اسمی برای ویژگی‌های فردی پاسخگویان و رتبه‌ای برای اندازه‌گیری مفاهیم مندرج در فرضیه-ها استفاده شده است و نیز جامعه آماری این تحقیق ۱۲۰ نفر و به صورت تمام شمار انتخاب شده که شامل تمام مرزبانان درجه ۱ و ۲، فرماندهان و جانشینان پاسگاه‌های مرزی، مسئولان امنیتی و معاونان سیاسی و امنیتی می‌باشد. تحلیل آماری با استفاده از SPSS و آزمون T مستقل انجام شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد عوامل داخلی و خارجی هر کدام به سهم خود در ایجاد حادثه تروریستی جنوب شرق کشور (سراوان) مؤثر می‌باشد ( $P < 001$ ) که سهم عوامل خارجی بیشتر است.

## واژگان کلیدی:

تروریسم، امنیت، جنوب شرق کشور، سراوان

<sup>۱</sup>. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین، نویسنده مسئول: razavilawyer@gmail.com

<sup>۲</sup>. کارشناس ارشد مدیریت مرز دانشگاه علوم انتظامی امین

## مقدمه

استان سیستان و بلوچستان در همسایگی دو کشور واقع شده است که از ثبات لازم برخوردار نبوده و همیشه در گیر تنشجات داخلی یا تخصمات و جنگ‌های منطقه‌ای بوده- اند که این مسئله، امنیت جنوب شرق کشورمان را با انواع و اقسام تهدیدهای تروریستی مواجه ساخته است (واعظی، ۱۳۷۸: ۳۲).

یافته‌های علمی، انتظامی و مرزی نشان می‌دهد علاوه بر تنشجات کشورهای همسایه، یکی از عوامل تهدیدکننده نظم و امنیت هر کشوری، پدیده تروریسم است. پدیده تروریسم با توجه به ویژگی‌های خاص خود، می‌تواند نقش مهمی در ازهم‌پاشیدگی برنامه‌های کلان اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و ... داشته باشد؛ بنابراین یکی از تهدیدهای مهم که موجب بر هم زدن امنیت کشور می‌شود، تروریسم است (غنجدی، ۱۳۷۸: ۹۳).

استان سیستان و بلوچستان از جمله استان‌هایی است که به دلیل دارا بودن گوناگونی‌های دینی، مذهبی، قومی و زبانی، درون‌زا بودن و اصالت این تنوعات، موقعیت ویژه‌ای به این منطقه بخشیده است که این موقعیت باعث شده بیگانگان به دنبال منافی در این سرزمین بوده و در تاریخ و جغرافیای آن تأثیرگذار باشند. استان سیستان و بلوچستان از جمله استان- هایی است که شکاف قومی و زبانی آن، موازی با شکاف مذهبی بوده و با تقویت و بالفعل کردن همدیگر بر احتمال فعال شدن و تبعات امنیتی مسائل قومی می‌افزاید. هرچند که از گذشته این معضلات به صورت حادثه‌های تروریستی وجود داشته است. امروزه هم برخی از قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نقش مهمی در ایجاد تروریسم در این منطقه دارند. در واقع ناامنی‌های موجود در این مناطق به صورت تروریستی است و این تحركات، هشدار است تا سازمان‌ها و نهادهای دولتی تصمیم‌گیرنده در این رابطه برای تأمین امنیت منطقه، اقدامات مهم‌تری برنامه‌ریزی و اجرا نمایند. در این رابطه ما به بررسی عوامل حادثه- های تروریستی و امنیت مرزی و ابعاد آن می‌پردازیم (غنجدی، ۱۳۷۸: ۹۳).

تروریسم از پدیده‌های نوظهور و در عین حال، از معضلات روز جامعه جهانی و از مباحث مهم حقوق و روابط بین‌الملل است و یکی از جدی‌ترین تهدیدها در محیط امنیت ملی به شمار می‌رود. ترور و ناامنی از گذشته‌های بسیار دور یکی از موانع جدی و مهم بر سر راه تثبیت حاکمیت دولت‌ها و تحکیم امنیت جوامع بوده است. مهم‌تر آنکه تعداد بسیاری از اقدامات تروریستی علیه مسلمانان در داخل سرزمین‌های اسلامی و شاید مستند یا منتسب به آنان انجام می‌شود.

واژه تروریسم همواره با بحران معنایی روبه‌رو بوده است. شاید بتوان این واژه را یکی از جنجال‌برانگیزترین واژگان کلیدی قرن بیست و یکم تلقی کرد. تروریسم یکی از واژه‌های مبهم عرصه بین‌الملل است که با پیچیدگی در مفهوم، تعریف و تحدید قلمرو آن مواجه هستیم (سلیمانی<sup>۱</sup>، ۱۳۸۵: ۱۴).

تقریباً تمام مباحث مربوط به تروریسم با تعریف تروریسم و ترور آغاز می‌شوند. ریشه دشواری تعریف این دو واژه در تمایلات فرهنگی و سیاسی حاکم است؛ تمایلاتی که می‌تواند بر تعاریف ارائه‌شده تأثیرگذار باشد.

الکسی اشمید<sup>۲</sup> معتقد است که موضوع تعریف واژه‌هایی نظیر تروریسم را نمی‌توان منفک از موضوع مرجع تعریف کننده‌اش دانست (اشمید، ۱۹۸۹: ۲۴).

شاید بتوان گفت که میان دو مفهوم تفاوت چندانی وجود ندارد، جز اینکه تروریسم حالت سازماندهی‌شدن، مکتب‌شدن، رویه‌شدن و روشمند شدن ترور است. به عبارت دقیق‌تر، تروریسم نظریه‌مند شدن اقدام ترور و در واقع عمل تروریستی است. به این ترتیب تروریسم حاکی از نوعی جریان است که برخلاف ترور که عملی فردی و ضربتی است و در کوتاه‌مدت انجام می‌شود، جریانی گروهی، سازمان‌یافته و مستمر است که اهداف متنوع‌تری را پوشش می‌دهد. بنابراین، تروریسم نه عملی منفرد یا واکنشی عاطفی، بلکه

1. Soleimani
2. Alexis Schmid

اقدامی جمعی و ناشی از تشکل‌یافتگی است که می‌تواند در جایگاه نوعی راهبرد سیاسی یا حتی نظامی قرار گیرد (اشمید، ۱۹۸۹: ۲۸). به این معنی تروریسم جریانی است که می‌کوشد به کمک نظامی از هراس افکنی و وحشت‌پراکنی مبتنی بر قهر و زور، دیدگاه‌های خویش را پیش ببرد. معیار دیگری که می‌توان بر اساس آن تروریسم را از ترور تمیز داد، نوع و آماج اهداف انتخاب شده است. بر این اساس، ترور نوعی عمل غافلگیرانه و ناگهانی برای از پای درآوردن مخالف و دشمن است اما تروریسم با جوهره سیاسی، اجتماعی و عمل فراتر از قتل غافلگیرانه تعریف می‌شود. در واقع در تروریسم قتل یا وحشت‌افکنی لزوماً معطوف به مقتول یا جمعیت مورد تعدی نیست، بلکه در پی آن است تا با تعرض و تعدی به جمع یا هدفی کوچک، جمعیت و جامعه بزرگتری را با هراس و انفعال مواجه کند تا به اهداف خود دست یابد (خامه‌ای، ۱۳۸۱: ۲۰).

جمهوری اسلامی ایران با وسعت ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربع در جنوب غربی آسیا قرار دارد که از لحاظ موقعیت جغرافیایی مانند پلی بین سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا واقع شده است. ایران سومین کشور دنیا پس از روسیه و چین از نظر داشتن همسایگان مرزی بوده و در منطقه تقریباً از همه جهات جغرافیایی با تهدیدها و چالش‌هایی روبروست که برخی از این چالش‌ها را می‌توان در مرز مشترک با کشور پاکستان دانست (کاویانی‌راد، ۱۳۸۶: ۱۲۲). در جمهوری اسلامی ایران استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی، مقابله و مبارزه قاطع و مستمر با هرگونه خرابکاری، تروریسم، شورش و عوامل و حرکت‌هایی که محل امنیت کشور باشد، با همکاری وزارت اطلاعات و مراقبت و کنترل مرزهای جمهوری اسلامی ایران، اجرای معاهدات و پروتکل‌های مصوبه مرزی و استیفای حقوق دولت و اتباع مرزنشین جمهوری اسلامی ایران در مرزها و محدوده انحصاری اقتصادی دریاها و اجرای قوانین مربوط به گذرنامه و ورود و اقامت اتباع خارجی با هماهنگی ادارات اطلاعات بر اساس قانون مصوب مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۶۹/۰۴/۲۷ بر عهده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران گذاشته است (کاویانی‌راد، ۱۳۸۶: ۱۲۲).

تهدیدهایی نظیر مهاجرت‌های غیرقانونی، قاچاق مواد مخدر و تسلیحات، جنایت‌های سازمان‌یافته، ورود کالاهای ممنوعه، ناامنی نواحی مرزی و حمله به پاسگاه‌های مرزبانی و غیره در کنار تحرکات قومی- مذهبی به‌ویژه پس از جنگ افغانستان، امنیت مرزهای شرقی ایران را به مخاطره انداخته است. از سال ۱۳۸۴ با گروگانگیری، قتل و ترور گروهک‌های تروریستی غیرقانونی و اشرار مسلح (جند ا...، جیش العدل، انصارالفرقان، جیش النصر، انصار) این منطقه از کشور به دغدغه اساسی مقامات امنیتی و قضایی حکومت مرکزی تبدیل شده است.

گروگانگیری ۵ نفر از کارکنان مرزدار و به شهادت رساندن گروهبان یکم جمشید دانایی- فر، شهادت ۱۴ مرزدار در سراوان، شهادت ۸ مرزدار در جکیگور، حمله به ستون‌های گشتی ناجا، حمله به مسافران در محور تاسوکی- زابل و به شهادت رساندن ۲۲ شهروند بی‌گناه و گروگانگیری ۷ تن دیگر و فرار مهاجمان به پاکستان و افغانستان توجه ویژه‌ای را از جانب مسئولان امنیتی و فرماندهان نظامی مجاور با مرزهای شرقی می‌طلبد. آمیخته بودن جمعیت شیعه و سنی با تحریک نیروهای خارجی، فعالیت گروه‌های مسلح، مرز طولانی با پاکستان، قاچاق سودآور مواد مخدر، نارضایتی از مسئولان محلی و مرکزی همگی از عوامل تضعیف امنیت در استان می‌باشد. از شاخصه‌های ناامنی افزایش منازعات مسلحانه فرقه‌ای و گروه‌های تروریستی می‌باشد. از طرفی هم تأمین امنیت کشور نیازمند همکاری متقابل بوده و بازدارندگی از تهدیدها برای تقویت امنیت مناطق جنوب شرق از طریق رایزنی و همکاری با کشورهای همسایه امکان‌پذیر می‌باشد. از آنجا که امنیت مناطق مرزی در کشور به معنای امنیت در شهرهای داخلی است؛ بنابراین، کشورهای همسایه در قبال امنیت مرزی یکدیگر و امنیت ملت خود مسئول می‌باشند.

بنا بر فرمایشات مقام معظم رهبری مرز هر کشور به معنای ناموس آن کشور است. تداوم وضع موجود، می‌تواند به تشدید واگرایی این منطقه از حکومت مرکزی بینجامد که این امر هزینه امنیتی و انتظامی بالایی دربرخواهد داشت و در پی آن، کاهش مشروعیت

دولتمردان مرکزی را در بین مردم این منطقه موجب خواهد شد. بنابراین مقاله حاضر به حوادث تروریستی جنوب شرق کشور علیه کارکنان مرزبانی ناجا پرداخته و علاوه بر سابقه حوادث تروریستی در این منطقه، به علل بروز آن و ایجاد امنیت می‌پردازد.

### اهمیت و ضرورت تحقیق

در طول چند سال اخیر، منطقه جنوب شرق کشور به‌ویژه استان سیستان و بلوچستان به یک کانون بحرانی تبدیل شده و تحولات خارجی نیز زمینه‌ای برای شدت گرفتن این مسئله بوده است که متأسفانه حوادث ناگواری را در این منطقه تجربه نموده‌ایم. بنابراین لازم است مطالعات جدی و میدانی (کتابخانه‌ای، پرسشنامه و مصاحبه) در این زمینه صورت گیرد. از طرفی با توجه به اینکه شکل‌گیری گروهک‌های تروریستی موجبات ناامنی در کشور را فراهم می‌آورد و از طرفی مأموریت و وظیفه ناجا برابر قانون ناجا (بند ۱ و ۲ ماده ۴)، ایجاد نظم و امنیت و مقابله با هر گونه خرابکاری، تروریسم و عوامل مخل امنیت کشور می‌باشد، بنابراین با پژوهش می‌توان عوامل مؤثر در شکل‌گیری گروهک‌های تروریستی را شناسایی و در راستای تأمین وظایف ناجا به مبارزه با آن پرداخت.

### پیشینه تحقیق

در ارتباط با تحقیقات صورت گرفته، نمونه‌هایی ذکر شده است:

اسد کوساری و محمد حیدری (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی نقش قوم بلوچ در امنیت مرزهای جنوب شرق کشور»، پیرمحمد ملازهی (۱۳۸۰) در پژوهش خود با عنوان «تحولات سیاسی-ایدئولوژیک در بلوچستان»، راستی و حیدری (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان امنیت و توسعه در غرب آسیا از منظر مدل محور-پیرامون: مطالعه موردی مناطق مرزی کشورهای ایران، افغانستان و پاکستان» به مباحث مرتبط با موضوع تحقیق حاضر در استان سیستان و بلوچستان پرداخته‌اند و پژوهش‌های «ناحیه‌گرایی سیاسی در ایران، مطالعه موردی: بلوچستان» (۱۳۸۶) و «کارکرد ژئوپلیتیک بلوچستان در مناسبات ایران و پاکستان» (۱۳۹۰) توسط مراد کاویانی‌راد در این زمینه انجام شده است.

داوود غریبان زندگی در کتاب محیط امنیتی پیرامونی سیستان (پژوهشکده مطالعات راهبردی: ۱۳۷۸) نیز به بحث در مورد تهدیدهای تروریستی مناطق جنوب شرق پرداخته است.

حسن رضا قیطاسی (۱۳۸۷) در پژوهش خود با عنوان حادثه تروریستی در مرزهای استان خراسان به این نتیجه رسیده است که عمده‌ترین مسائل مربوط به ناامنی ناشی از شرایط مذهب، قوم‌های گوناگون، توسعه‌نیافتگی و فقر در مناطق مرزی است که می‌تواند محیط مناسبی برای بروز ناامنی، حوادث تروریستی و تحریک دشمنان در بهره‌برداری از مشکلات به وجود آمده را فراهم کند.

ملازهی (۱۳۸۰) در پژوهش «تحولات سیاسی-ایدئولوژیک در بلوچستان» به این نتیجه رسیده که راهبردهای سیاسی دقیق در پیشرفت منطقه و ایجاد شرایط مالی در مناطق مرزی در کاهش تروریسم مؤثر می‌باشند.

صالحی کیا (۱۳۸۶) در پایان‌نامه خود با موضوع «بررسی نقش مرزنشینان در تروریسم مرزی ایران و عراق» به این نتیجه اشاره دارد که مرزنشینان به عنوان مهم‌ترین مؤلفه انسانی تأثیرگذار در مناطق مرزی در صورت بهره‌مند نبودن از امکانات اقتصادی و ... می‌توانند به عنوان مؤلفه‌ای تروریستی و ناامنی در مناطق مرزی محسوب شوند.

کوساری و حیدری (۱۳۸۲) در مطالعه‌ای «نقش قوم بلوچ در امنیت مرزهای جنوب شرق کشور» را برآورد کردند. نتایج مطالعات آنها نشان می‌دهد تنها قوم بلوچ نمی‌تواند در امنیت مرز تأثیرگذار باشد بلکه حکومت‌ها باید سیاست‌هایی را تعقیب کنند تا همه اقوام، طوایف و مذاهب در کشور احساس هویت مشترک و همبستگی ملی پیدا کنند.

اندرز و ساندل (Enders and Sandler, 1996:32) در مطالعه خود به بررسی اثر تروریسم بر جذب FDI در کشورهای اسپانیا و یونان پرداختند. نتایج مطالعه آنها نشان داد که بین تروریسم و خالص FDI ورودی رابطه منفی وجود دارد؛ به نحوی که افزایش یک

درصدی در میزان وقایع تروریستی به کاهش ۱۳/۵ درصدی در خالص FDI ورودی به کشور اسپانیا و کاهش ۱۱/۹ درصدی به کشور یونان منجر می‌شود. بلومبرگ و همکاران (Blomberg et al, 2004:23) با استفاده از روش خودرگرسیون- برداری (VAR) پیامدهای کلان اقتصادی تروریسم را در ۱۷۷ کشور طی دوره زمانی ۱۹۶۸ تا ۲۰۰۰ بررسی کردند. نتایج مطالعه آنها نشان داد که تروریسم اثر منفی معناداری بر روی رشد اقتصادی و مخارج سرمایه‌گذاری دارد. همچنین وقایع تروریستی با تغییر جهت در فعالیت‌های اقتصادی از مخارج سرمایه‌گذاری به مخارج دولت همراه است، بدین معنی که از مخارج سرمایه‌گذاری کاسته شده و بر مخارج دولت افزوده می‌شود.

اندرز و همکاران (Enders et al, 2006:35) به بررسی اثر تروریسم بین‌المللی بر تغییر جریان FDI آمریکا بین سایر کشورها پرداختند. نتایج بررسی آنها نشان داد که حادثه ۱۱ سپتامبر اثر پایدار اندکی بر جریان FDI آمریکا داشته است. تنها برخی از کشورهایی که وقایع تروریستی متعددی را تجربه کرده‌اند، شاهد کاهش جریان FDI آمریکا بوده‌اند که این کاهش نیز به استثنای کشور ترکیه موقتی بوده است. با این حال اثر وقایع تروریستی بر حجم FDI آمریکا در کشورهای OECD بسیار معنادار می‌باشد به نحوی که ترکیه و یونان بیشترین کاهش در حجم FDI آمریکا را تجربه کرده‌اند. این نتایج نشان می‌دهد که فعالیت‌های تروریستی بر محدود کردن FDI آمریکا مؤثر بوده است.

### مبانی نظری

نیاز به امنیت و رفتار امنیت‌جویانه قدیمی‌ترین نیاز آدمی و انگیزه کنش او و از حیاتی‌ترین اهداف جوامع انسانی در اشکال مختلف خانوادگی، قبیله‌ای، امپراتوری، حکومت ملت‌پایه و نظام جهانی بوده است؛ اما با وجود این نیازمندی عینی کهن و ریشه‌دار، کاوش نظری و واکاوی ابعاد مختلف آن قدمت چندانی ندارد و حداکثر به آغاز جنگ سرد در دهه ۱۹۹۰ میلادی بازمی‌گردد (رنجبر، ۱۳۸۵: ۷۵-۷۴). وقتی امری به یک موضوع امنیتی مبدل می‌-



شود که همچون تهدیدی اساسی برای یک موجود (که نسبتاً ولی نه اساساً- حکومت متشکل از دولت، سرزمین و ملت است) جلوه کند. سرشت خاص تهدیدهای تروریستی، تدابیر فوق‌العاده را برای مهار آنها می‌طلبد (بوزان، ویور و دوویلدا، ۱۳۸۶: ۴۶).

مفسران امنیت معتقدند که در قبال امنیت هم می‌توان رویکرد عینی (بر اساس وجود تهدیدی تروریستی) اتخاذ کرد و هم رویکرد ذهنی (بر اساس احساس تهدید) (همان: ۸۵). تمایز میان این دو رویکرد برای صورت‌بندی مفهومی از امنیت بین‌الملل که مناسب دستور کاری چندبخشی باشد اهمیت قاطع دارد. رویکرد مبتنی بر کنش گفتاری در قبال امنیت، ایجاب می‌کند که میان سه نوع واحدی که در تحلیل امنیت مطرح می‌باشند تفاوت قائل شویم:

الف) موضوعات امنیت: چیزهایی که موجودیت‌شان در معرض تهدید تروریستی انگاشته می‌شود و دعوی مشروعی برای بقا دارند؛

ب) بازیگران امنیتی‌کننده: بازیگرانی که بر پویش‌های یک بخش تأثیر می‌گذارند. این بازیگران نه از موضوعات امنیت و نه جزو بازیگرانی هستند که خواهان امنیتی انگاشته شدن یکی از موضوعات امنیت می‌شوند، ولی تأثیر چشمگیری بر تصمیمات متخذه در حوزه امنیت می‌گذارند (بوزان، ویور و دوویلدا، ۱۳۸۶: ۶۶).

در نظام جهانی معاصر مهم‌ترین موضوعات امنیت اجتماعی، قبیله‌ها، عشیره‌ها، ملت‌ها، تمدن‌ها، مذاهب و نژادها هستند (همان: ۱۸۹). حادثه‌های تروریستی برهم‌زننده ثبات و ماهیت تهدیدهای امنیتی روزبه‌روز پیچیده‌تر و شناسایی آنها مشکل‌تر می‌شود.

پیدایش بازیگران درون حکومتی و فراحکومتی محل نظیر تروریسم و دسترسی آنان به تسلیحات جدید و فناوری باید مورد توجه خاص دستگاه سیاستگذاری قرار گیرد (شولترز و گادسون، ۱۳۸۶: ۲۷۸).

اصولاً ممکن است چهار نوع امنیت یا بیشتر مطرح باشد: امنیت تک‌تک شهروندان، امنیت ملت، امنیت رژیم و امنیت حکومت. اگر جامعه‌ای از گروه‌های فرقه‌ای مرکب از هویت‌های قومی یا مذهبی گوناگون تشکیل شده باشد، امنیت این گروه‌ها اهمیت دارد و همین موجب می‌شود تا کنش و واکنش و رقابت میان بازیگران مختلف حتی پیچیده‌تر و حل‌نشدنی‌تر شود (جووب، ۲۰۰۵: ۱۵). در تحلیل واقع‌گرایانه کلاسیک، انسان‌ها اگر در قید حکومت و قانون به سر برند، انگیزه‌ها و رفتاری از خود بروز می‌دهند که به جنگ، تهدیدهای تروریستی و ناامنی راه می‌برد (تعریف و همکاران، ۱۳۸۵: ۴۸).

برخی واقع‌گرایان، نابرابری اقتصادی را ریشه تهدیدها می‌دانند. سنت‌گرایان، امنیت را به «نبود تهدید نظامی» تعریف می‌کنند. در نگاه ایشان هدف اصلی در امنیت، تقویت توان نظامی، بالا بودن هزینه‌های نظامی و تولید و تکثیر سلاح‌های بازدارنده است. در واقع معتقد به «قدرت بیشتر؛ امنیت بیشتر» می‌باشند. اما در مطالعات فراستنی، تهدید در ابعاد دیگری نظیر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... از تهدیدهای مهم و بسیار دغدغه‌آفرین شناخته می‌شود. بر این اساس امنیت تنها نبود تهدید نظامی نیست، بلکه مجموعه‌ای از تهدیدها در تعریف و تحلیل امنیت تأثیرگذار است. در این دیدگاه امنیت ثابت و یکنواخت نیست؛ بلکه در بستر زمان همراه با پیشرفت و توسعه تحول می‌یابد (بهرامی، ۱۳۸۵: ۹۵). در کشورهای توسعه‌یافته انواع امنیت به یکدیگر وابسته نیستند یا وابستگی اندکی با هم دارند. اندیشمندان این کشورها می‌توانند از امنیت اجتماعی و داخلی تعریف ویژه‌ای داشته باشند و بدون توجه به تهدیدهای داخلی، به تعریف امنیت ملی بپردازند. در مقابل در کشورهای در حال توسعه و جهان سومی صورت‌های گوناگون امنیت در یکدیگر تنیده‌اند و قلمرو و امنیت ملی بسیار گسترده شده تا آنجا که در بسیاری از این کشورها بی‌ثباتی سیاسی و نبود امنیت داخلی در مقام مقایسه با تهدیدهای خارجی به مراتب سخت‌تر می‌نماید و ارزش‌های حیاتی را بیش از هر تهدید دیگر خارجی در معرض زوال و بی‌توجهی قرار می‌دهد. در هم-

تیدگی اقسام امنیت در کشورهای جنوب بیشتر معلول بحران مشروعیت، فقدان اراده ملی و تنوع قومی و آشفتگی اقتصادی است (همان: ۹۸).  
بایلزورنگیر معتقد است که تحصیل امنیت از طریق قدرت نظامی به برانگیختن تروریسم در دیگران می‌انجامد. ارنولد و لفرز اظهار می‌دارد که امنیت به درجه‌ای از حفاظت ارزش‌های موجود اشاره دارد. جان مروز<sup>۱۱</sup> امنیت را آزادی نسبی از تهدیدهای خطرناک می‌داند. به نقل از والتر لیمن، و لفرز متذکر می‌شود که یک ملت زمانی امنیت دارد که بتواند بدون خطر از ارزش‌های اساسی خود حفاظت کند، از جنگ اجتناب نماید و بتواند در هنگام چالش ارزش‌های خود را با موفقیت حفظ کند (میر عرب، ۱۳۷۹: ۱۳۵).

### مفهوم‌شناسی و تحلیل مفهومی تروریسم

تروریسم، یک فرایند، پدیدار، چرخه عملیاتی و تأسیس ارباب‌آور در ادبیات امنیتی و عمومی معاصر است که تکرار آن در اذهان عمومی مفاهیمی نظیر وحشت‌زائی، کشتار مردم، وجود گروه‌های سازمان‌یافته جنائی، انگیزه‌های غیرقانونی و نظایر آن را با خود به همراه دارد. با این حال، تاکنون تعریف دقیق و جامع این امر محقق نشده و راهبرد تعریف جامع تروریسم که نزدیک به یک دهه در سازمان ملل متحد در حال پیگیری است، هنوز به سرانجام نرسیده است (نادر ساعد، ۱۳۸۹: ۵۶).

یکی از معیارها در طبقه‌بندی تروریسم، تمرکز بر ابزارهای مورد استفاده در عملیات تروریستی است؛ ابزارهایی که تروریسم را سخت یا نرم، متعارف یا نامتعارف می‌سازد. تروریسم نامتعارف ناظر بر بهره‌گیری تروریست‌ها از جنگ‌افزارها و سلاح‌های جدیدی است که خود از عوامل کشتار جمعی محسوب می‌شوند. به یک تعبیر طبقه‌بندی‌های نظامی نیز توانسته به تولید و عرضه نسل جدیدی از ابزارها کمک نماید تا قدرت‌های برتر را در اعمال قدرت مؤثر بر بازیگران ضعیف‌تر یاری رسانند. ملاک اصلی در روش‌شناسی

1. Jan mroz

تحلیل تروریسم، تمرکز بر سنجش سطح تأثیر جانی و روانی و همچنین فجایع و قربانیان این نوع تروریسم و قابل کنترل و پدافند نبودن عوامل جنگی استفاده شده در عملیات تروریستی است. از این رو، تروریسم به استفاده از عوامل جنگی شیمیایی، بیولوژیک و همچنین رادیولوژیک و هسته‌ای در فرایند ترور اطلاق می‌شود (کلاسویتز، ۱۹۷۶: ۲۰۴).

از معیارهای دیگر تروریسم، دفاع راهبردی و حمله تاکتیکی است که در درگیری‌های نظامی، طرفی که از قوای نظامی بالاتری بهره‌مند است تصمیم خواهد گرفت تا اصل حمله را به کار گیرد؛ چون مهمترین وسیله برای فرسایش باقیمانده قوای نظامی دشمن و تنها وسیله برای دستیابی به پیروزی در جنگ است.

بنابراین مهمترین عامل در جنگ، دستیابی به توان نظامی برتر و حفظ آن است یا به قول فون کلاوز ویتس همیشه بهترین راهبرد به طور اعم و در نقطه تعیین کننده، «بسیار قوی بودن» است (کلاسویتز، ۱۹۷۶: ۲۰۴).

اگر این جمله آخر را به دقت تحلیل کنیم، آشکار می‌شود که قوی بودن اعم و ضعیف بودن در نقطه تعیین کننده، یا حتی بالعکس، امکان پذیر است. بر اساس واژگان نظامی، قوی بودن از لحاظ راهبردی و ضعیف بودن از لحاظ تاکتیکی و بالعکس ممکن است. به این شکل که چگونه مدافع که بر اساس تعریف متخاصم، ضعیف تر است می‌تواند مقدمات ضدحمله را فراهم کند. مدافع ممکن است از لحاظ راهبردی ضعیف باشد ولی ممکن است قادر به دستیابی به برتری تاکتیکی (موضعی) در نقطه تعیین کننده باشد.

### عوامل اصلی تروریسم

مهم ترین عوامل ایجاد توسعه تروریسم به ویژه با در نظر گرفتن وضعیت معاصر عبارت‌اند از:

- ۱- نظام سلطه؛ ۲- افراط گرایی مذهبی و ۳- نژادپرستی.

## رویکرد نهادهای بین‌المللی و اسناد بین‌المللی و نظامی به تروریسم رویکرد سازمان ملل متحد

در این خصوص، ابتدا مبحث تروریسم در کنفرانس‌های یکسان‌سازی حقوق جزا بررسی می‌شود و سپس به بررسی مفهوم تروریسم و نیز ارکان آن از منظر جامعه ملل و سازمان ملل متحد پرداخته می‌شود. اصطلاح تروریسم اولین بار، در کنفرانس‌های یکسان‌سازی حقوق جزا (در دهه سی قرن اخیر) در حوزه مباحث حقوقی مطرح شد. پیش از آن نیز کمیسونی از قضات و حقوقدانانی که برای بررسی موضوع مسئولیت مرتکبان جرایم جنگی، پس از جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۹ در ورسای تشکیل شده بود، به بررسی مسئله تروریسم پرداخته و تروریسم سازمان‌یافته را به عنوان یکی از جرایم بزرگ جنگی، پس از جرم قتل عمد در ردیف دوم جای داده بودند. در این دسته‌بندی در مجموع ۳۲ گونه اعمال مجرمانه تعریف و ارائه شده بود (بقایبی ماهانه، ۱۳۸۱: ۵۸).

### مجمع عمومی

همه تلاش‌های اولیه سازمان ملل برای برخورد با مشکل تروریسم، بحث بر سر این مسئله است که آیا مفهوم تروریسم را باید و می‌توان تعریف کرد؟ از یک سو، برخی معتقد بودند که بدون چنین تعریفی نمی‌توان در برابر تروریسم واکنش‌های هنجاری داشت و از سوی دیگر، کسانی معتقد بودند که توافق بر سر تعریف ناممکن است و بهتر است که با دیدگاهی عمل‌گرایانه در پی ایجاد قواعد مورد توافق بود که برای جنبه‌های گوناگون مشکل کلی، مناسب باشد. در مورد مبنای حقوقی ورود مجمع عمومی به بحث تروریسم، می‌توان گفت که از یک-سو منشور به‌طور صریح متعرض مفهوم اقدامات تروریستی و مبارزه با آن نشده است، اما از سوی دیگر تروریسم به‌طور کلی با اهداف و اصول سازمان ملل از جمله جلوگیری از توسل به زور، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، حصول همکاری در زمینه‌های مختلف بین‌المللی، توسعه روابط دوستانه، حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات و ... مبادرت دارد،

که ضرورت دخالت مجمع در مسئله تروریسم از اینجا ناشی می‌شود. کورت والدهایم به ابتکار دبیر کل وقت سازمان ملل، موضوع «تروریسم» را برای اولین بار به صورت رسمی در سال ۱۹۷۲ در دستور کار اجلاس ۲۷ مجمع عمومی قرار داد (بن سول، ۲۰۰۵: ۴۱).

### دیوان بین‌المللی دادگستری

رویه دیوان نشان می‌دهد که با احتیاط زیادی در زمینه برخورد با تروریسم رفتار کرده است و حتی در محدود مواردی که فرصتی برای این نهاد فراهم شده تا مفهوم تروریسم را تبیین نماید از آن استفاده نکرده و تلاش شده تا بدون اشاره به تروریسم، قضایا را رسیدگی کند. دیوان بین‌المللی دادگستری حتی در قضایایی نظیر گروگانگیری، نیکاراگوئه و لاکربی نیز از فرصت فراهم شده برای ارائه تعریفی از تروریسم بهره نبرد (کاس کونسرنینگ، ۱۹۸۶: ۲۸). یکی از مهمترین قضایایی که درباره تروریسم در دیوان مطرح و در آن هیچ‌گونه اشاره‌ای به تروریسم نشد، مسئله فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی علیه نیکاراگوئه و حمایت و پشتیبانی دولت از اقدامات تروریستی بود. دیوان در این قضیه حکم نمود که ایالات متحده در قبال فعالیت‌های کنترهای نیکاراگوئه مسئول نمی‌باشد، بدین علت که دلایلی که کنترها را تحت کنترل و وابسته به ایالات متحده قرار دهد، کافی نبوده‌اند. دیوان در این قضیه استدلال نمود که حمایت ایالات متحده از کنترها به نقض حاکمیت سرزمینی نیکاراگوئه منجر شده که این نقض حقوق بین‌الملل است، اما به منظور انتساب اعمال کنترها به ایالات متحده، دیوان به دلایلی نیاز دارد که ثابت کند در هر مورد، عملکرد کنترها منعکس کننده راهبرد دولت امریکا بوده و مستقیماً توسط آن طراحی شده است (زراعت، ۱۳۷۷: ۱۴).

### مواد و روش انجام تحقیق

این پژوهش به شیوه توصیفی-همبستگی و روش زمینه‌یابی (پیمایشی) و میدانی و از نظر هدف، کاربردی می‌باشد و از نظر زمانی یک مطالعه مقطعی می‌باشد. به طوری که گردآوری داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه باز و بسته انجام گرفته است و در طراحی آن

پرسش‌های اسمی برای خصوصیات فردی پاسخگویان و رتبه‌ای برای اندازه‌گیری مفاهیم مندرج در فرضیه‌ها استفاده شده است.

جامعه آماری این تحقیق ۱۲۰ نفر و به صورت تمام‌شمار انتخاب شده که شامل تمام مرزبانان درجه ۱ و ۲، فرماندهان و جانشینان پاسگاه‌های مرزی، مسئولان امنیتی و معاونان سیاسی و امنیتی می‌باشد که در مجموع ۱۲۰ نفر می‌باشند که به صورت تمام‌شمار در نظر گرفته می‌شود. برای گردآوری اطلاعات علاوه بر مطالعه به روش کتابخانه‌ای در جهت بررسی پیشینه و نظریات مطرح در حوزه مورد بررسی، از روش میدانی نیز با استفاده از پرسش‌نامه پژوهشگرساخته مبتنی بر مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت بهره‌گیری شده است.

### **پرسش‌ها**

#### **پرسش اصلی**

عوامل مؤثر بر بروز حوادث تروریستی و ناامنی شرق کشور کدام‌اند؟

#### **پرسش فرعی:**

- ۱- عوامل داخلی چه تأثیری بر بروز حوادث تروریستی شرق کشور دارد؟
- ۲- عوامل خارجی چه تأثیری بر بروز حوادث تروریستی شرق کشور دارد؟

#### **فرضیه‌ها**

- ۱- بین عوامل داخلی و بروز حوادث تروریستی جنوب شرق کشور رابطه وجود دارد.
- ۲- بین عوامل خارجی و بروز حوادث تروریستی جنوب شرق کشور رابطه وجود دارد.

## یافته‌ها

## ۴-۳-۱- یافته‌های مربوط به آمار توصیفی

جدول ۱: عوامل داخلی و خارجی مؤثر بر بروز حوادث تروریستی

آماره‌ها	عوامل داخلی بر بروز حوادث تروریستی	عوامل خارجی بر بروز حوادث تروریستی
میانگین	۱۴/۷۳	۱۹/۲
میانه	۱۶	۱۸
انحراف معیار	۲/۸۵	۳/۶۵
واریانس	۵/۴۵	۶/۸۹
دامنه تغییرات	۱۴	۱۴
حداقل نمرات	۱۸	۱۹
حداکثر نمرات	۲۱	۲۹

یافته‌های مربوط به آمار عوامل داخلی و خارجی برای انجام آزمون t مستقل می‌باشد که برای انجام عملیات روی آنها به دست آمده است. هدف از آزمون t بررسی میزان همبستگی و اثرات و عملکرد یک پدیده بر روی پدیده-های دیگر است و با توجه به موضوع پژوهش، عوامل مؤثر بر حادثه تروریستی سیستان و بلوچستان، عوامل یا متغیرهای مستقل بر اساس رابطه و شدت این رابطه بر روی متغیر وابسته اثر می‌گذارند. بنابراین نخست باید بدانیم که همبستگی معناداری بین دو متغیر وجود دارد یا نه.



## فرضیه اول: عوامل داخلی بر بروز حوادث تروریستی جنوب شرق کشور مؤثر است.

جدول ۲: عوامل داخلی مؤثر بر بروز حوادث تروریستی جنوب شرق کشور

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنادار
عوامل داخلی بر بروز حوادث تروریستی	۱۲۰	۳۰/۴۸	۳۲ درصد	۴۷/۲۵	۷۸	۰/۰۰۰

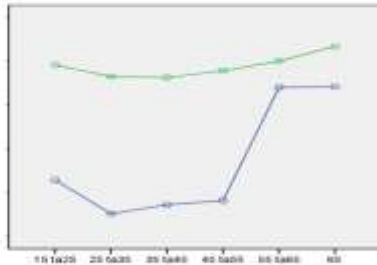
بر اساس نتایج جدول ۲ با توجه به سطح معناداری (sig=0/000) به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت که رابطه همبستگی معنادار بین متغیرها وجود دارد که نشان‌دهنده این است که فرضیه اول تأیید می‌شود و می‌توان گفت: عوامل داخلی بر بروز حوادث تروریستی جنوب شرق کشور مؤثر است.

جدول ۳- آزمون تعامل بین گروه‌ها

Source	Type III Sum of Squares	Df درجه آزادی	Mean Square میانگین مربعات	F فروانی	Sig سطح معنادار	Partiald انحراف معیار
Corrected Model	17.052	5	3.410	13.552	۰/000	۰/147
Intercept	2236.239	1	2236.239	8886.019	۰/000	۰/958
Lodging	2.801	1	2.801	11.131	۰/001	۰/027
Ethnic	7.556	2	3.778	15.012	۰/000	۰/071
Lodging * ethnic	2.152	2	1.076	4.275	۰/015	۰/021
Error	99.153	394	۰/252			
Total	3802.112	400				
Corrected Total	116.206	399				

R Squared = .147 (Adjusted R Squared = .136)

نقش جداگانه محل سکونت بر تهدیدهای داخلی، معنادار است. یعنی به لحاظ آماری، تهدیدها در بین پاسخگویان متفاوت است. در مورد نقش قومیت و تنش‌های قومی در تهدیدها، بر اساس مقدار آزمون  $(Sig = 0/000)$ ؛  $f = 15 / 012$ ؛ شاهد معناداری تهدیدها در بین پاسخگویان هستیم.



**فرضیه دوم: عوامل خارجی بر بروز حوادث تروریستی جنوب شرق کشور مؤثر است.**

جدول ۴: عوامل خارجی مؤثر بر بروز حوادث تروریستی جنوب شرق کشور

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنادار
عوامل خارجی بر بروز حوادث تروریستی	۱۲۰	۲۹/۴۵	۷۰ درصد	۵۲/۰۴	۷۹	۰/۰۰۰

بر اساس نتایج جدول ۴ با توجه به سطح معناداری  $(sig=0/000)$  به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت که رابطه همبستگی معناداری بین متغیرها وجود دارد که نشان‌دهنده این است که فرضیه دوم تأیید می‌شود و می‌توان گفت: عوامل خارجی بر بروز حوادث تروریستی جنوب شرق کشور مؤثر است.

جدول ۵: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان متغیر تهدیدها خارجی

درصد تجمعی	درصد فراوانی	فراوانی	سرمایه اجتماعی
۰/۳	۰/۳	۱	خیلی کم
۲۱/۸	۲۱/۵	۴۳	کم
۷۳/۳	۵۱/۵	۴۵	متوسط
۹۸/۵	۲۵/۳	۲۱	زیاد
۱۰۰/۰	۱/۵	۱۰	خیلی زیاد
	۱۰۰/۰	۱۲۰	مجموع

با توجه به اینکه همبستگی در سطح ۰/۰۱ است، پس رابطه بین متغیرها بسیار قوی است. همچنین با توجه به مقدار ضریب همبستگی، تأثیر گذاری متغیر عوامل خارجی از متغیر عوامل داخلی بیشتر است. بنابراین عوامل خارجی بر بروز حادثه تروریستی در استان سیستان و بلوچستان بیشترین تأثیر را دارند.

### نتیجه گیری

تروریسم یکی از معضلات بسیار مهم و چالش برانگیز دنیای امروز است که موجب جریحه دار شدن وجدان انسانی، اخلاق، احساسات فردی و عمومی می شود. آنچه در این میان در درجه اول اهمیت قرار می گیرد، اتخاذ سیاست کیفری اصولی در مواجهه با این پدیده ضدبشری است. از این حیث کنترل اعمال تروریستی، به جهت فقدان شناخت کافی ماهوی از آن و همچنین نتایج ناشی از نبود تعریفی حقوقی و مورد پذیرش جامعه بین الملل، دشوار به نظر می رسد. بنابراین لازم است دولت ها با جهت گیری مؤثر در پیشگیری و مبارزه با تروریسم، در قوانین داخلی خود تدابیر جدید را اتخاذ نمایند و مقابله ثمربخش با تروریسم بدون تنظیم زیربنای بین المللی قانون مند آن و اجتناب از «سیاست استاندارد دوگانه» متصور نیست. برای این مورد پیشنهاد می شود مجموعه قوانین ویژه برای واکنش دولت ها در این زمینه تهیه و تنظیم و به پارلمان دولت ها ارائه شود که قوانین خود را در

مورد مبارزه با تروریسم، جنایات فرامرزی و جرایم و جنایات کیفری مرتبط به صورت یکسان در آورند.

مطابق تحلیل‌های ارائه شده هنوز درک واحد جهانی از تروریسم وجود نداشته و همین امر سبب شده تاکنون هیچ سیاست واحدی برای مبارزه با آن اتخاذ نشود. در نتیجه اقدامات ضد تروریستی محکوم به شکست و در برخی از موارد به دلیل دوگانه‌نگری نسبت به تروریسم، خود جزو اقدامات تروریستی انگاشته می‌شود. بنابراین طراحی و تدوین قانون نمونه و استاندارد، ضرورت مبرم یافته و حقوق بین‌الملل در این عرصه موظف است مقررات جامع و شفاف را تدوین و در عرصه بین‌المللی تصویب کند. اما این امر محتاج تشکیل و تقویت نهادهای بین‌المللی است.

اقلیم خشک کویر و کمبود آب همراه با ساختار قبیله‌ای و جوامع انسانی کم‌شمار در قالب شهرها و روستاهای پراکنده سبب نوعی جبر جغرافیایی در زندگی مناطق شرق به‌ویژه جنوب شرق کشور شده است. افزون بر آن انزوای جغرافیایی نسبت به مرکز، نبود مشارکت در سطح ملی و محلی و توسعه نیافتگی استان در این امر بی‌تأثیر نبوده است. در این راستا، جنوب شرق کشورمان در چند سال اخیر به یکی از مناطق تروریستی کشور تبدیل شده است. آمیخته بودن جمعیت شیعه و سنی با تحریک نیروهای خارجی و ناسیونالیسم، فعالیت گروه‌های مسلح، مرز طولانی با پاکستان، قاچاق مواد مخدر، نارضایتی اهالی از مسئولان محلی و مرکزی و دسترسی آسان به سلاح غیرمجاز همگی از عوامل مؤثر بر تضعیف امنیت این استان بوده‌اند.

این منطقه همواره امنیتی شکننده داشته اما از سال ۱۳۸۴ با گروگان‌گیری‌ها، قتل و ترور گروه‌های تروریستی (مانند گروه جندا...)، این منطقه از کشور به دغدغه‌ای اساسی برای مقامات امنیتی و قضایی حکومت مرکزی تبدیل شده است. از یک سو، تأمین امنیت کشور نیازمند همکاری متقابل بوده و بازدارندگی از تهدیدها برای تقویت امنیت مناطق جنوب شرق از طریق رایزنی و حقوق بین‌الملل با کشور همسایه (پاکستان و افغانستان) امکان‌پذیر

می‌باشد. از سوی دیگر، عوامل تروریستی جنوب شرق کشور هم متأثر از عوامل داخلی و هم عوامل خارجی است که هر کدام سهم بسیاری در ایجاد حوادث تروریستی این منطقه از کشور را داشته‌اند. از آنجا که امنیت مناطق مرزی در یک کشور به معنای امنیت اجتماعات انسانی در داخل مرزهاست، بنابراین کشورهای همسایه در قبال امنیت مرزی یکدیگر و امنیت ملت خود مسئول می‌باشند و می‌توان گفت که عدم توجه به این مسئله هزینه‌ها و پیامدهای جبران‌ناپذیری برای همسایگان به همراه خواهد داشت. فضای جغرافیای سیاسی ایران به سبب آنکه مکمل راهبردهای جغرافیای سیاسی کشورها و قدرت‌های پیرامونی است، تهدیدهایی نظیر اقدام‌های تروریستی، قاچاق تسلیحات و مواد مخدر، ورود کالاهای ممنوعه، ایجاد حوادث تروریستی نواحی مرزی و حمله به پاسگاه‌های مرزبانی و ... در کنار تحریکات قومی- مذهبی به‌ویژه پس از جنگ افغانستان، امنیت مرزهای جنوب شرقی و شرق ایران را پیش از پیش به مخاطره انداخته است. بی‌ثباتی کشورهای همجوار ایران چالش‌های راهبردی را در جنوب شرق کشور باعث شده است. همچنین عدم رشد فرایند دموکراسی و ناپایداری حکومت‌های پیرامونی و گسترش اقتدار قومی آنها در مرزهای شرقی و جنوب شرقی بر آسیب‌پذیری مرزهای جغرافیایی و امنیتی ایران در این منطقه افزوده است. از شاخص‌های مختصات ناامنی و عمق راهبرد خارجی جمهوری اسلامی ایران، افزایش منازعات مسلحانه فرقه‌ای و گروه‌های تروریستی است، به طوری که برخی گروه‌های وهابی و سلفی با سازماندهی تشکلهای سیاسی- نظامی سلفی به صورت مستقیم در ترتیبات امنیتی منطقه‌ای وارد شده‌اند که بیشتر از ابزار و شیوه‌های مبارزاتی غیرقانونی مانند عملیات انتحاری، بمب‌گذاری، گروگانگیری، قتل و غیره استفاده می‌کنند. بنابراین تداوم وضع موجود می‌تواند به تشدید واگرایی این منطقه از حکومت مرکزی بینجامد که این امر هزینه امنیتی و انتظامی بالایی را نیز به همراه خواهد داشت و در پی آن کاهش مشروعیت دولت مردان مرکزی را در بین مردم مناطق جنوب شرق باعث خواهد شد.

نتایج مقاله عوامل مؤثر بر حوادث تروریستی جنوب شرق کشور نشان داد:

**فرضیه اول:** عوامل داخلی بر بروز حوادث تروریستی جنوب شرق کشور تأثیرگذار است. بر اساس نتایج چنین استنباط می‌شود سطح معنادار آزمون برای سطح اطمینان ۹۹ درصد، کمتر از ۱ درصد است، پس می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه اول تأیید می‌شود و می‌توان گفت عوامل داخلی بر بروز حوادث تروریستی جنوب شرق کشور مؤثر است.

**فرضیه دوم:** عوامل خارجی بر بروز حوادث تروریستی جنوب شرق کشور تأثیرگذار است.

بر اساس نتایج جدول چنین استنباط می‌شود که سطح معنادار آزمون برای سطح اطمینان ۹۹ درصد کمتر از ۱ درصد است، پس می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه دوم تأیید می‌شود و می‌توان گفت: عوامل خارجی بر بروز حوادث تروریستی جنوب شرق کشور تأثیرگذار است. همچنین با توجه به اینکه همبستگی در سطح ۰/۰۱ است، رابطه بین متغیرها بسیار قوی است و با توجه به مقدار ضریب همبستگی، تأثیر متغیر عوامل خارجی بیشتر از متغیر عوامل داخلی است. بنابراین عوامل خارجی بر بروز حادثه تروریستی در استان سیستان و بلوچستان بیشترین تأثیر را دارد.

### پیشنادهای تحقیق

۱- تشابهات فرهنگی و همگنی ساختار جمعیتی دوسوی مرزهای جنوب شرق کشور، فضا و محیط مساعدی را برای رشد و سرایت هر نوع حادثه تروریستی در منطقه به وجود آورده است. برای تغییر ساختار و بافت جمعیتی منطقه و ایجاد جریان همگرایی در حاشیه مرز جنوب شرق کشور لازم است طرح‌های مبتنی بر واقعیت علمی و عملی تهیه و اجرا شود. این طرح‌ها می‌تواند در قالب طرح‌های اقتصادی (صنعتی و کشاورزی) اجرا شود و در این گونه محیط‌ها عملیات اطلاعاتی مقدم بر عملیات نظامی بوده و با توسعه و گسترش عملیات اطلاعاتی می‌توان ضمن صرفه‌جویی در هزینه‌های عادی با بهره‌گیری از یک شبکه متمرکز و کارآمد اطلاعاتی به نتایج قابل قبولی دست یافت؛

- ۲- موضوع بسیار مهم دیگر تبادلات فرهنگی، اقتصادی، قومی قبیله‌ای، مذهبی و اجتماعی مرزنشینان است. گسترش جمعیتی، در مناطق همجوار مرز دارای تفاوت‌های جدی است. به طوری که نقاطی همچون نقطه صفر مرزی، تردد و فعالیت‌های تروریستی بیشتری دارند. این مسئله ایجاب می‌کند علاوه بر روشن نمودن خطوط مرزی نسبت به آموزش آنان همت گمارده و لایه‌های مختلف مرزی را به طور صریح تعیین کرد؛
- ۳- انعقاد توافق‌نامه‌های دوجانبه یا چندجانبه الزام آور در چارچوب قواعد حقوق بین‌الملل با کشورهای همسایه بین مرزهای مشترک با در نظر گرفتن منافع ملی و متناسب با ویژگی‌های جرایم موجود در مرز مشترک باشد تا مأموران مرزی بدون ابهام و دغدغه‌خاطر با متخلفان و مجرمان برخورد کرده و از طرفی باعث سوءاستفاده مجرمان نشود؛
- ۴- ایجاد تسهیلات ویژه گمرکی و ارتباطات شوسه‌ای بین‌المللی بین دو کشور به منظور حمل و نقل آسان کالا؛
- ۵- گسترش شبکه‌های ارتباطی ریلی، جاده‌ای و هوایی در فضاهای جغرافیایی دورافتاده و حاشیه‌ای جنوب شرق کشور به منظور توسعه تعاملات اجتماعی - سرزمینی در تمام مناطق کشور به ویژه مناطق مرزی؛
- ۶- تقویت و توسعه روابط دوجانبه در چارچوب قواعد حقوق بین‌الملل با کشورهای همسایه به ویژه در ارتباط با مسائل امنیتی و نظامی و تعهدات قابل اجرا در این زمینه و نیز آسیب‌شناسی سیاست‌های دوگانه پاکستان در قبال جریان‌های افراط‌گرایی فرقه‌ای؛
- ۷- افزایش تعامل میان مدیران نظام و نخبگان قومی - مذهبی جنوب شرق کشور برای اطلاع‌رسانی به آنان از اهداف عوامل خارجی به منظور تغییر مهندسی بافت سیاسی، قومی، فرهنگی و ملی ایران؛
- ۸- تقویت زیربنای توسعه و توجه ویژه به رشد و توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جنوب شرق؛

۹- بسترسازی مشارکت اقوام این منطقه در ساختار فضایی قدرت در ابعاد ملی، منطقه‌ای و محلی؛

۱۰- مدیریت پلیس با همکاری نهادهای اجتماعی به‌ویژه کشورهای همسایه در زمینه تفاهم‌نامه‌های گمرکی برای مبارزه با حوادث تروریستی و قاچاق؛

۱۱- تفاهم‌نامه‌های حقوقی برای دستگیری کسانی که اعمال تروریستی مرتکب می‌شوند و از طریق مرز به کشور همسایه متواری می‌شوند؛

۱۲- با مطالعه دقیق منطقه، راه کارهای توسعه اقتصادی و فرهنگی مورد بررسی قرار گیرد. نباید در این منطقه به سود در زمان کوتاه اندیشید؛

۱۳- سرمایه‌گذاران خصوصی صرفاً به دنبال منافع بیشتر هستند، بنابراین بر خلاف روند عمومی جامعه بایستی دولت اقدام به سرمایه‌گذاری نماید و امکان اشتغال سالم و با درآمد مکفی را فراهم آورد، به گونه‌ای که از سایر نقاط کشور نیز افرادی اشتیاق کار در این ناحیه را داشته باشند. شاید گسترش بازارچه‌های مرزی و رونق تجارت یکی از گزینه‌های مناسب دولت باشد؛

۱۴- اجرای طرح‌های تأمین آبرسانی و مهار آب برای حیات بلوچستان و مرزهای مشترک الزامی است، که خود به دو دسته آب شرب و کشاورزی تقسیم می‌شود. با توجه به کمبود آب در استان سیستان و بلوچستان شایسته است نسبت به تغییر الگوی آبیاری اقدام شود. ضمن آنکه از مهار آب‌ها هر چند اندک نباید صرف نظر شود؛

۱۵- توزیع عادلانه ثروت که در این منطقه آغاز شده است باید با سرعت بیشتری ادامه یابد و در کنار آن از توزیع عادلانه قدرت نیز حمایت شود، به گونه‌ای که مردم مرزنشین این منطقه دریابند که در صورت شایستگی بدون تبعیض به مشاغل و پست‌هایی که لایق آن هستند دست خواهند یافت؛

۱۶- بایستی به خرده‌فرهنگ‌های مورد علاقه مردم در این منطقه توجه شود، آداب و سنن ایشان محترم شمرده شود و این فرهنگ را زیر چتر فرهنگ کلان ایرانی- اسلامی قرار داد.



در این صورت شرایط برای وحدت و یکپارچگی بلوچستان (به معنای عام) با ایران بیش از پیش مهیا می‌شود. به حق، رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) معمار این روش و استفاده از پتانسیل قدرت نرم برای وحدت همه اقوام و گروه‌ها می‌باشند؛

۱۷- فشار به دولت پاکستان از طریق دیپلماسی برای کنترل مرز و عدم حمایت از تروریسم؛

۱۸- تأمین اعتبار لازم برای انسداد مرز در خلاءهای مرزی سراوان (از میل ۱۴۶ تا ۱۵۱ کوه سیاهانی و از آسکان به هندوان)؛

۱۹- استفاده از رادارها و دوربین‌های دید در شب برای رصد منطقه؛

۲۰- مشارکت دادن مردم منطقه در برقراری و تأمین امنیت تا خود را شهروند درجه ۲ محسوب نکنند؛

۲۱- داشتن اشراف اطلاعاتی در منطقه نیازمند تعامل با رده‌های اطلاعاتی است که بایستی محقق شود؛

۲۲- تأمین اعتبارات لازم برای عملیات‌های مشترک اطلاعاتی برون مرزی.

### بحث و نتیجه‌گیری حاصل از ارزیابی فرضیه‌های تحقیق

نتایج پژوهش عوامل مؤثر بر حوادث تروریستی جنوب شرق کشور نشان داد:

**فرضیه اول:** به نظر می‌رسد عوامل داخلی بر بروز حوادث تروریستی جنوب شرق کشور تأثیر گذار است.

بر اساس نتایج جدول ۲ چنین استنباط می‌شود سطح معنادار آزمون برای سطح اطمینان ۹۹ درصد کمتر از ۱ درصد است. پس می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه اول تأیید می‌شود و می‌توان گفت: عوامل داخلی بر بروز حوادث تروریستی جنوب شرق کشور مؤثر است.

**فرضیه دوم:** به نظر می‌رسد عوامل خارجی بر بروز حوادث تروریستی جنوب شرق کشور تأثیر گذار است.

بر اساس نتایج جدول ۴ چنین استنباط می شود که سطح معنادار آزمون برای سطح اطمینان ۹۹ درصد کمتر از ۱ درصد است. پس می توان نتیجه گرفت که فرضیه دوم تأیید می شود و می توان گفت: عوامل خارجی بر بروز حوادث تروریستی جنوب شرق کشور تأثیر گذار است. همچنین با توجه به اینکه همبستگی در سطح ۰/۰۱ است رابطه بین متغیرها بسیار قوی است. همان طور که مشاهده می شود با توجه به مقدار ضریب همبستگی متغیر عوامل خارجی بیشتر از متغیر عوامل داخلی است. بنابراین عوامل خارجی بر بروز حادثه تروریستی در استان سیستان و بلوچستان بیشترین تأثیر را دارند.

### پیشنادهای علمی

۱- گسترش شبکه های ارتباطی ریلی، جاده ای و هوایی در فضاهای جغرافیایی دورافتاده و حاشیه ای جنوب شرق کشور به منظور توسعه تعاملات اجتماعی- سرزمینی در تمام مناطق کشور به ویژه مناطق مرزی؛

۲- تقویت و توسعه روابط دوجانبه از لحاظ حقوق بین المللی با کشورهای همسایه به ویژه در ارتباط با مسائل امنیتی و نظامی و تعهدات قابل اجرا در این زمینه و همچنین آسیب- شناسی سیاست های دو گانه پاکستان در قبال جریان های افراط گرایی فرقه؛

۳- افزایش تعامل میان مدیران نظام و نخبگان قومی- مذهبی جنوب شرق کشور به منظور اطلاع رسانی به آنان از اهداف عوامل خارجی برای تغییر مهندسی بافت سیاسی، قومی، فرهنگی و ملی ایران؛

۵- بستر سازی مشارکت اقوام این منطقه در ساختار فضایی قدرت در ابعاد ملی، منطقه ای و محلی؛

۶- تشابهات فرهنگی و همگنی ساختار جمعیتی دوسوی مرزهای جنوب شرق کشور، فضا و محیط مساعدی را برای رشد و سرایت هر نوع حادثه تروریستی در منطقه به وجود آورده است. برای تغییر ساختار و بافت جمعیتی منطقه و ایجاد جریان همگرایی در حاشیه مرز جنوب شرق کشور لازم است طرح های مبتنی بر واقعیت علمی و عملی تهیه و اجرا شود.

این طرح‌ها می‌تواند در قالب طرح‌های اقتصادی (صنعتی و کشاورزی) اجرایی شود و در این گونه محیط‌ها عملیات اطلاعاتی مقدم بر عملیات نظامی بوده و با توسعه و گسترش عملیات اطلاعاتی می‌توان ضمن صرفه‌جویی در هزینه‌های عادی با بهره‌گیری از یک شبکه متمرکز و کارآمد اطلاعاتی به نتایج قابل قبولی دست یافت؛

۷- موضوع بسیار مهم دیگر، تبادلات فرهنگی، اقتصادی، قومی قبیله‌ای، مذهبی و اجتماعی مرزنشینان است. گسترش جمعیتی، در مناطق همجوار مرز دارای تفاوت‌های جدی می‌باشد. به طوری که نقاطی همچون نقطه صفر مرزی، تردد و فعالیت‌های تروریستی بیشتری دارند. این مسئله ایجاد می‌کند علاوه بر روشن نمودن خطوط مرزی نسبت به آموزش آنان همت گمارده و لایه‌های مختلف مرزی را به طور صریح تعیین نمود؛

۸- اختصاص قوانین حقوقی و بین‌المللی به کشورهای همسایه بین مرزهای مشترک با در نظر گرفتن منافع ملی و متناسب با ویژگی‌های جرایم موجود در مرز مشترک تا مأموران مرزی بدون ابهام و دغدغه‌خاطر با متخلفان و مجرمان برخورد نموده و از طرفی باعث سواستفاده مجرمان نشود.

## منابع و مآخذ

- بقایی ماهانه، اسماعیل. (۱۳۸۱) موضوع و مرجع امنیت. فصلنامه فرهنگ اندیشه. شماره ۳ و ۴. انتشارات توسعه دانش و پژوهش ایران.
- بهرامی، محمد. (۱۳۸۵). قرآن مسئله امنیت ملی. مجله پژوهش‌های قرآنی. شماره ۳۵-۳۶.
- بوزان، باری، الی و دووید، پاپ. (۱۳۸۶). چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت. ترجمه علیرضا طیب. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- خامه‌ای، عبدالله. (۱۳۸۱). چالش‌های امنیتی موجود در مرز ایران و ترکیه هنگام مرزی خوی. تهران: دانشگاه علوم انتظامی ناجا، دانشکده مرزی و انتظامی.
- زراعت، عباس. (۱۳۷۷). مفهوم دفاع مشروع در قبال تروریسم. همایش دفاع مشروع و تروریسم از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل.

- سلیمانی، منیژه. (۱۳۸۵). تأملی نظری در امنیت اجتماعی با تأکید بر گونه‌های امنیت. فصلنامه مطالعات راهبردی. سال نهم.
- شولتز، ریچارد و گادسون، روی. (۱۳۸۶). رویکردهای جدید در مطالعات امنیتی. ترجمه محمدعلی متقی‌نژاد. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- غنچی، علی. (۱۳۷۸). نظریه‌های امنیت، مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- کاویانی‌راد، مراد. (۱۳۸۶). کارکرد ژئوپلیتیک بلوچستان در مناسبات ایران و پاکستان. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کلاسویتییز. (۱۹۷۶). حقوق بین‌الملل: ابزاری برای مبارزه با تروریسم. ترجمه سیدقاسم زمانی و علیرضا طیب.
- میرعرب، مهرداد. (۱۳۷۹). احساس ناامنی، زمینه‌ها، پیامدها و شیوه‌های مقابله و نیم‌نگاهی به مفهوم امنیت. نشریه امنیت سال چهارم. شماره ۱۵ و ۱۶.
- Convention For The Suppression of Unlawful Acts Against The Safety of Civil Aviation.
- Convention On The Prevention and Punishment Of Crimes Against Internationally Protected.
- Schmid. (1989). For The Suppression of Unlawful Seizure of Aricraft.